

خوانو نونش در نگاه دیگران



مایکل. ون. گسل، معمار منظر
ترجمه: آیدا آل هاشمی
michael@michaelvangessel.com

خوانو فررا نونش، معمار پروژه‌های ماندگار منظر

از هر جزء پروژه است. شعر در معماری منظر نه در آنچه طراحی می‌شود و نه در مؤلفه‌ها و نه حتی در ساختار پروژه، بلکه در چیزی میان این‌ها نهفته است؛ در رابطه میان عناصر، در آنچه که دست‌نخورده باقی مانده، در ناگفته‌ها و فضاهای خالی جای دارد. پروژه‌هایی که این خویشتن‌داری را نشان می‌دهند، به طور آشکاری ساده هستند و چنان با زمینه در آمیخته‌اند که گویی همیشه آنجا بوده‌اند. این پروژه‌ها در طول زمان باقی می‌مانند و ارزش و کارکرد خود را حفظ می‌کنند. یک نمونه خوب از چنین کیفیتی، دامنه تپه قلعه سیلوس (Silves Castle Hillside) است که به عنوان مسیر دسترسی به قلعه عمل می‌کند. عنصر دیگری که کیفیت را نشان می‌دهد، شیوه انتخاب و استفاده از مصالح است. خویشتن‌داری در میزان و نحوه استفاده از مصالح نشانه مهمی در کیفیت است و نونش به خوبی می‌داند که چگونه با روشی مثال‌زدنی به این سمت گام بردارد. نونش، تنوع حداقلی را در مصالح به کار می‌برد، به طوری که مسیری بسیار ساده و مشخص را برای معرفی مصالح در پروژه‌های انتخاب می‌کند. کیفیت در این انتخاب، متناسب با بستر و جزئیات کار با آن آشکار می‌شود. مانند یک لباس عالی: پارچه‌ای استثنایی با سبزی متناسب. چنانچه در نگاه اول خیلی پر زرق و برق نیست، کاملاً ساده و محجوب، ولی در نگاه دوم دقیق و پرکار است.

بنابراین، جای تعجب نیست که بحث ما در هیئت داوران این شماره کتاب سال LAE مانند دو همکار بود که یکدیگر را می‌شناسند. ما کاملاً رویکردها و نظریات یکدیگر را تحسین و درک می‌کنیم. در نهایت ملاقات و همکاری با معمار منظر بزرگ در کمیته هیئت داوران کتاب سال معماری منظر اروپا برای من مسرت‌بخش بود ■

مایکل. ون. گسل
۲۰ آگوست ۲۰۱۱ / آمستردام

پی‌نوشت

• برای شناخت بیشتر مایکل. ون. گسل می‌توانید به سایت وی مراجعه کنید:
www.michaelvangessel.com

◀ در ماه می ۲۰۰۲، مرکزی را برای معماری منظر در اروپا (LAE) با هدف ترویج و توسعه معماری منظر تأسیس و با چاپ یک سالنامه نسبت به معرفی و نقد پروژه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با معماری منظر در اروپا (European Landscape Architecture Yearbook). آغاز به کار کردیم. در این مدت (LAE) دو کتاب با عنوان‌های «کار میدانی» (Fieldwork) در سال ۲۰۰۶ و «در سایت» (On Site) در سال ۲۰۰۹ به چند زبان چاپ کرده و مجموعه سوم نیز در سال ۲۰۱۲ منتشر می‌شود.

برای هر کتاب کمیته‌ای منتخب از گروه وسیعی از معماران منظر حرفه‌ای در سرتاسر اروپا انتخاب می‌شد. پس از اعلام عمومی برای دریافت پروژه، کمیته به انتخاب نقادانه و هدفمند از میان نمونه پلان‌های ورودی می‌پرداخت و در نهایت حدود ۴۰ کار از میان پروژه‌های دریافتی انتخاب می‌شد. کمیته بعضاً عناوینی را برای مقالات در طول روند داوری پروژه‌ها، پیشنهاد می‌کرد. امسال من رئیس کمیته و خوانو نونش یکی از اعضای کمیته داوری بود. این فرصتی بود که من «خوانو» را از نزدیک و به مدتی طولانی ملاقات کنم. پیش از این من فقط او را یک بار و به مدتی کوتاه در بارسلونا دیده بودم، جایی که هر دو برای دفاع از پروژه‌هایمان که نامزد دریافت جایزه «روزا باربا» (Rosa Barba Prize) در سال ۲۰۰۹ شده بودند، حضور یافته بودیم. ولی من، از آنجا که رئیس کمیته داوران برای هر سه کتاب بودم با کارهای نونش برای سال‌ها آشنایی داشتم (در این سه دوره رئیس ثابت بود و اعضای کمیته داوران تغییر می‌کرد). من در طول این سه سال پروژه‌های متعددی را دیدم، ولی کارهای نونش غیرقابل مقایسه با دیگران و کیفیتشان واضح بود. جای تعجب نیست که تصویر پروژه پارک سبز موندوگو (Mondego Green Park) اثر نونش در کویمبرا (Coimbra) بر روی جلد کتاب «در سایت» به چاپ رسید. این پروژه نقطه اوجی در آثار نونش است. پروژه‌های وی، قابل درک، محکم و عین حال متین و شاعرانه هستند؛ بدون هیاهو، جلوه‌گری، تزئین بیهوده و طراحی بیش از حد. همه چیز در ارتباط با فضا، مکان و بستر طرح است.

در تعریف، معماری منظر باید پای در زمین داشته و به این ترتیب زمینه‌گرا باشد. هر مکانی از یک سو مجموعه امکانات و محدودیت‌ها و از سوی دیگر، الهام‌بخشی‌های ویژه خود را دارد. پروژه خوب، پروژه‌ای است که مشتاقانه به بستر گوش فرا دهد و به دنبال کیفیت‌های پنهان و کشف پتانسیل‌های ناشناخته آن باشد. خوانو نونش و دفترش دقیقاً همین کار را انجام می‌دهند. به این ترتیب، هر پروژه در عین اینکه مانند دستکشی متناسب با زمینه‌اش است، چیزی جدید را نیز به مکان می‌افزاید. از این رو پروژه به دور از مکان و تمنای افراد عالی رتبه رشد می‌کند و به سخن می‌آید. سنتزها بسیار فراتر



سید امیر منصوری، دکتری
مطالعات شهری با تخصص
معماری منظر
seyedamir.mansouri@gmail.com

نوش معمار منظر زمین سار^۱

◀ همایش زیباشناسی منظر شهری که در روزهای ۲۰ الی ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ توسط سازمان زیباسازی شهر تهران و پژوهشکده نظر برگزار شد، فرصت خوبی برای گفتگو با «خاوانو نوش»، معمار منظر پرتغالی بود. وی در گزارش خود در سمینار به دو موضوع اساسی اشاره کرد که جایگاه وی را از متخصصی حرفه‌ای به یک هنرمند نظریه‌پرداز و خلاق ارتقا می‌دهد.

نوش به پدیده زمان به عنوان عنصر اساسی و تداوم بخش، معنا، مفهوم و هویت یک پدیده در طول حیات آن اشاره کرد و در مقاله‌ای که به این منظور تنظیم کرده بود، زمان را، آنچنان که در فیزیک و فلسفه امری اعتباری شمرده می‌شود، تعبیر ما از روند تغییرات "پدیده" تفسیر کرده بود؛ و با اتکا به آن تعبیر، حیات یک "پدیده" و در اینجا یک "منظر" را امری جاری دانسته بود که از مجموع حوادث قدیمی‌تر آغاز می‌شود، تا امروز تداوم پیدا می‌کند و در دوره‌های بعد از ما نیز دوام خواهد یافت. این تعبیر از ماهیت "منظر" موجب گردید تا خصوصیت سیال، اجتماعی و عینی-ذهنی آن در چارچوب نظریه زمان توسط نوش در پروژه‌ها بازتاب داشته باشد.

نکته دیگری که نوش مطرح کرد، "منظر زمین سار" بود؛ منظری که فضاسازی، منظرپردازی، تنوع و فیزیک خود را از زمین بدست می‌آورد. منظر زمین سار، تعبیری است که برای تمرکز پروژه‌های نوش بر شکل زمین و اغراق در توپوگرافی بدست می‌آید. در پروژه‌های میلان و بیروت، نوش که طراحی فضای جمعی در بافت شهری است، در عرصه‌ای که گذر زمان آنها را به زمینی تخت و بدون عارضه بدل کرده، نوش با تأکید بر "شکل زمین طبیعی"، به بازآفرینی فرم سیال و خارج از زمان "زمین" روی می‌آورد. در این رویکرد، زمین از "عرصه تخت" به "پهنه موج" بدل می‌شود که برجستگی‌های آن، کارکردهای مختلف تقسیم فضا، استقرار کاربری‌ها، کریدورهای دید و منظر، دالان‌های جریان هوا، ایجاد سایه و امثال آن را پشتیبانی می‌کند؛ در حالی که عنصر اصلی منظر "زمین" است که در رویکردی به دوران اولیه خود، مداخله‌های تخت‌کننده انسانی را کنار گذاشته و صورت بکر و طبیعی خود را با برجستگی‌ها و تأکید بر "ناهمواری‌ها" به جای "تسطیح" باز می‌یابد.

این حد از توجه به ویژگی‌های توپوگرافیک زمین در آثار نوش، بی‌تردید خاص اوست. در تاریخ منظرسازی، ایرانیان به کوه‌های مقدس همچون کوه رحمت (مهر) شیراز و دالاهو در بیستون و بسیاری نقاط دیگر سرزمین آریاییان توجه خاص داشته‌اند. کاخ‌های خود را همچون تخت جمشید و «تخت طاووس» در دل آنها با تراش کوه برپا کرده‌اند یا نقش اعتقادات و قهرمانی‌های خود را همچون بیانیه حکومت در سرزمین‌های

قلمرو خویش بر کوه‌هایی حک کرده‌اند که جایگاه قدسی آن در فرهنگ عامه پذیرفته شده باشد. «نقش رستم»، «تاق بستان» و «چشمه علی» ری از نمونه‌های این گروه از مظاهر زمین در حیات معنوی و تمدن انسانی است. معماری منظر زمین سار، عنوانی است که گویای رویکرد دقیق و ژرف‌نگر نوش به زمین و مفهوم سیال آن در ذهن انسان است.

در خاور دور، باغ‌های سنگی، به مثابه جوهری از جواهر اساسی طبیعت و مظهر وجود، گونه دیگری از توجه به زمین است. صخره، سنگ، شن و خاک اقسام زمین است که با تعریف فرهنگ تائوئیستی از طبیعت و زمین، روح مقدسی می‌یابند و در فضاسازی‌های آئینی و باغ‌های چینی و ژاپنی جلوه‌گری می‌کنند. در ادبیات اسطوره‌ای ملل نیز توجه به کوه‌های افسانه‌ای و موجودات خیر و شری که در دل کوه زندگی می‌کردند حاکی از جایگاه پراهمیت "زمین" در ذهن انسان‌های هر دوره بوده است. خاوانو نوش اما، در عصر حاضر به زمین نگاهی دیگرگونه دارد؛ نه آن را به مثابه ابزاری تزئینی در حد توجه به گونه‌گونی‌ها و تنوعات شکلی و رنگی دستاویز طراحی و تزئین فضا قرار داده، و نه درصدد احیای مفاهیمی اسطوره‌ای و باستانی در عصر مدرن و حاکمیت تعقل برآمده است.

نوش قرائت جدیدی از زمین به دست داده است؛ تعبیری که زمین، در صورت تاریخی و بکر خود، زمینه‌ساز تولید زیبایی صوری و ذهنی است. زیبایی صورت با بهره‌گیری از تنوع بصری و فضایی تأکید بر برجستگی‌های آن دارد و زیبایی ذهنی با ارجاع به خاطره ذهنی و تاریخی نوع انسان از زندگی در بستر طبیعت بی‌پیرایه اشاره دارد. خاطره‌ای ازلی که یادآور حال انسان تنها در دل طبیعت بکر است؛ حالی که به تعبیر حافظ در خروج از شهر و تماشای صحرا دست می‌دهد. زمین در این نقش، عنصری بازیافته است که زمینه اصلی طراحی منظر را به وجود می‌آورد؛ زمین دیگر حاشیه نیست، متن است ■

سید امیر منصوری
۱۲ شهریور ۱۳۹۰/تهران

پی‌نوشت

زمین سار، به معنی آنچه در زمین ساری و جاری است. آنچه در زمین سرایت کرده و با زمین سرایت می‌کند. زمین سار، منظری است که زمین و حالات و بازیگری‌های آن نقش اصلی را در منظرسازی بازی می‌کند.

João Nunes in Other's View

JOAO FERRIERA NUNES



Michael van Gessel, Landscape Architect.
michael@michaelvangel.com

In May 2002 we started the Foundation for the Landscape Architecture in Europe (LAE) with the purpose to promote the development of landscape architecture in Europe by publishing periodically an informative and critical overview of relevant projects and developments in the field of landscape architecture in Europe (European Landscape Architecture Yearbook). So far LAE has produced two books in several languages: 'Fieldwork' in 2006 and 'On Site' in 2009. Preparations for the next book are well en route. This third book will be published in 2012.

For each publication a Selection Committee is appointed by the Board consisting of professional landscape architects from all over Europe. After distributing a call for entries the Committee makes a critical and motivated selection of exemplary plans received. Some forty plans are selected out of four to five hundred entries. The Committee may also propose topics for essays in the book, based on its finding during the selection process. This year Joao Ferreira Nunes was member of the Selection Committee of which I am chair.

In that way I finally met Joao in person and extensively. I had only met him once briefly in Barcelona where we both defended our plan that was nominated for the Rosa Barba Prize 2009. But I knew his work for years. As I was chair of the Selection Committee for all three books (only the chair remains the same for three books, the members change with every issue) I saw a lot of plans in the last nine years. His plans and executed works stand out. Their quality is clearly evident. No wonder his Mondego Green Park in Coimbra features on the cover of 'On Site'.

This Park is a hallmark for Joao's oeuvre. His projects are evident, strong, 'to the point', serene and poetic. No fuss, no showing off, no futile decorativeness no evident design. It is all about space, spaciousness and context.

Landscape architecture by definition should be grounded and in that way contextual. Every location gives its own set of possibilities and constraints but also inspirations. Good practice is a practice that listens intensively to the locations, looks for its hidden qualities and discovers its unknown potentials. Joao and his office does that exactly. In that way every projects fits like a glove into its context but also adds something to the area. It grows, so to speak, out of the location and the wishes of the commissioner. The syntheses is far more than the sum of both.

Poetry in landscape architecture lies not in what is designed, not in the objects, elements

or structure, it lies in the in between. In the relationship between the elements, in what is left out, in the unsaid, in the void. Projects that show restraint, have an evident simplicity, fit the location as though they were always there, are projects that will sustain over time and will keep their value and functionality. A good example of that eternal quality is Silves Castle Hillside, the access to the castle.

The other element that marks quality is the way materials are chosen and used. Restraint in the amount and the way materials are used is a great sign of quality. Joao knows how to this is in an exemplary way. He uses very little variation in material and keeps to a very evident and simple way of introducing this material in his projects. Quality is shown in this choice, suited to the location, and the way it is detailed. Like a perfect suit: exceptional tissue with a perfect fit. Not flashy at first site, totally unobtrusive, but on second site subtly and perfectly detailed.

So no wonder our discussions in the Selection Committee of this new edition of the Yearbook of LAE were like colleague that new each other for ages. We thoroughly appreciated each others motifs and understood each others opinions instantly. It was a joy finally meeting and working together with this great landscape architect.

Amsterdam, August 20, 2011

Michael van Gessel

Nunes, "Topographic"¹ Landscape Architect



Seyed Amir Mansouri, Ph.D in Urban Studies with landscape proficiency, assistant professor in university of Tehran. seyedamir.mansouri@gmail.com

The cityscape aesthetics conference was held from 10th to 12th of July by the city beautiful organization and Nazar research center with the honorary presence of João Nunes, the Portuguese landscape architect. He mentioned two main subjects in the seminar that promotes his position from a professional expert to a creative theorist artist.

In his theories he indicated the time as the basic element of perception and any object's identity throughout its life. In the article that he declared, he interpreted our explanation of "phenomenon" changes, just like in physics and philosophy where time is considered as a matter of reliability. In this sense, he considered the life of a "phenomenon" or the "landscape" a flowing matter which continues in the present and future. His interpretation makes the "landscape" a fluid, social and objective in Nunes' time theory frameworks that are all obviously used in his projects.

"Earth flowed landscape" was the other subject he mentioned; a kind of landscape that derives its atmosphere, perspectives, variety and physics from earth. "Earth flowed landscape" is an interpretation that was used for making a centralization in Nunes' projects and exaggerating the topography. In the projects in Beirut

and Milan he goes back to the "natural form" of the earth which was deteriorated in the process of time. In this approach the earth transforms from a "flat platform" to a "wavy range" that includes hierarchical network and the creation of visual corridors and by the establishment of elevated platforms of observation. Therefore the base element in landscape is the "earth" which is transformed back to its primary shape because the emphasis is on the "elevated platforms" and not "flattening".

Paying attention to the topographic qualities of the earth to this extent is his specialty. In Iranian landscape history, further attention was paid to holy mountains of Rahmat in Shiraz and Dalahou in Bistoon and many more. They chose to put their thrones in the domains of the mountains, such as "Persepolis" and "Takht-e-Kavoos". They also carved their sacred beliefs or their champions in the holy mountains. "Naghsh-e-Rostam", "Tagh-e-Bostan" and "Cheshme Ali" are the examples of the sanctity of earth in the spiritual life and civilization. "earth flowed Landscape" explains Nunes' profound approach to the earth and its flowing meanings in human minds.

In the east, stone gardens, reflected the sanctity of earth in another way. Stone, rock, sand and soil are the different types on the earth which get a holy spirit from nature and the earth in Taoism beliefs. They are used in religious sets of Chinese and Japanese gardens.

But today João Nunes has a different approach to the earth. Neither he considers it as an ornamental element for decoration, nor does he try to bring back the mythical beliefs in the modern era where everything is reasonable.

He has given a new definition of earth; in which the earth is the producer of real and surreal beauty. The formal beauty uses the visual and spatial variety to emphasize on it's the elevated platforms and refers the inner beauty that is recognized by mind to the untouched nature. An eternal memory that reminds the human beings of the pure nature; a memory that is perceived in a one day journey to the fields, Hafiz said. In this case, the earth is a recycled element that makes the background for the landscape; it is not the irrelevant any more, it is the context.

Tehran, September 6, 2011

Seyed Amir Mansouri

Footnote

1. Topographic (Earth flowed) is referred to what flows on earth; anything that is flowing on or with earth. Topographic (Earth flowed) landscape is a kind of landscape in which the earth and its natural form plays the most important role.